یادداشت روز

از جنگ نظامی تا لزوم مقابله با جنگ تبلیغاتی دشمن

رهبر معظم انقلاب در سالروز میلاد فرخنده حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، در دیدار با هزاران نفر از مداحان اهل‌بیت(ع) ضمن تمجید از چنین مراسم‌هایی که در مناقب اهل‌بیت(ع) به ویژه مراسم پرشور مدیحه‌سرایی، شعرخوانی و منقبت بانوی نور و آینه برگزار می‌شود، سخنان خویش را بر لزوم تغییر آرایش تبلیغاتی و رسانه‌ای در برابر تلاش دشمن برای تسخیر دل‌ها و مغزها تمرکز کردند و فرمودند: مردم ایران با مقاومت ملی، تلاش‌های مستمر دشمن برای تغییر «هویتِ دینی، تاریخی و فرهنگی» این ملت را ناکام گذاشته‌اند و امروز نیز ضمن ضرورت آرایش‌یافتن صحیح دفاعی و هجومی در مقابل فعالیت تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمن برای حمله به «مغزها، دل‌ها و باورها»، ایران عزیز با وجود مشکلات و کمبودهای موجود در سراسر کشور، به حرکت رو به جلوی خود ادامه می‌دهد. اینکه ملت ایران در طول ۴۷ سال ایستادگی، نه با کمک ابرقدرت‌ها، نه با تکیه بر سازوکارهای رسمی جهانی، بلکه با نیروی ایمان، آگاهی و تحمل‌پذیری کم‌نظیر خود توانسته است در برابر شدیدترین فشارهای خارجی بایستد و «از دل سخت‌ترین طوفان‌ها، قله‌های جدیدی از قدرت» را فتح کند، موضوع مهمی است که نمی‌توان از کنار آن به راحتی گذشت. ایشان «مقاومت ملی» را «تاب‌آوری و ایستادگی در مقابل انواع فشارهای سلطه‌گران» تعریف کردند و فرمودند: گاهی فشار، نظامی است- مانند آنچه ملت در دفاع مقدس دید و در ماه‌های گذشته نوجوانان و جوانان هم مشاهده کردند- و گاهی هم فشار اقتصادی یا رسانه‌ای و فرهنگی و سیاسی است. در واقع معظم‌له با مرور تجربه نیم‌قرن گذشته، برای ملت ایران که در شرایط امروز قرار گرفته‌اند، یادآور شدند که دشمنان انقلاب از آغاز، برای خاموش‌کردن این شعله متحد شدند؛ اما ملت ایران در همه این سال‌ها نشان داد مقاومت نه یک شعار احساسی، نه یک رفتار واکنشی، بلکه دقیق‌ترین منطق سیاسی برای کشوری است که می‌خواهد مستقل بماند و در سرنوشت خود تصمیم بگیرد. سخنان ایشان در حقیقت نقشه راهی است برای فهم ارزش تاریخی مقاومت؛ همان راهبردی که ایران را از یک کشور به ظاهر تنها، به محور یک جبهه وسیع و اثرگذار تبدیل کرده است.

۱- وقتی به ۴۷ سال گذشته نگاه می‌کنیم، به‌روشنی می‌بینیم ایران از نخستین روزهای انقلاب با مجموعه‌ای از فشارها روبه‌رو بوده است که در هر استاندارد بین‌المللی می‌توانست ساختار یک کشور را در هم بشکند. جنگ تحمیلی هشت‌ساله، کودتاهای نظامی ناکام، ترورهای کور، تحریم‌های فلج‌کننده، انزوای دیپلماتیک برنامه‌ریزی‌شده و در سال‌های اخیر جنگ ترکیبی و شناختی، راهبردهای خصمانه‌ای بود که ملت ایران همه آنها را در کمتر از نیم قرن تجربه کرد. اما آنچه رخ داد، خلاف همه پیش‌بینی‌ها بود. ایران نه‌تنها فرو نپاشید، بلکه به تدریج «توان مقاومت» را در خود نهادینه کرد. از دل فشارها، نوعی هماهنگی ملی شکل گرفت؛ گویی جامعه ایرانی آموخت که فشار خارجی، اگر با آگاهی و اعتماد عمومی همراه شود، می‌تواند به عاملی برای زایش قدرت تبدیل گردد. رهبر حکیم انقلاب که بیش از هر کسی در بطن این حوادث و دشمنی‌ها قرار داشته‌اند با درک این شرایط در تاریخ انقلاب است که این همین نکته را برجسته کردند که مقاومت، پیش از آنکه یک تصمیم حکومتی باشد، یک تجربه زیستی ملت ایران بوده است؛ تجربه‌ای که در آن یک ملت آموخته چگونه با تکیه بر توان درونی، مسیر خود را ادامه دهد. این همان تجربه‌ای است که می‌توان گفت ملت ایران در این ۴۷ سال تصمیم گرفت بایستد تا فرو نریزد.

۲- یکی از مهم‌ترین ابعاد مقاومت ملت ایران، تأثیری است که حتی در نگاه مخالفان انقلاب گذاشته است. در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از تحلیلگران غربی به‌صراحت گفته‌اند که سیاست فشار حداکثری شکست خورده است. «مایک پمپئو» وزیر خارجه دولت اول ترامپ که معمار اصلی سیاست فشار حداکثری به ایران بود، در مصاحبه‌ای به صراحت اذعان کرد «ایران در مقابل فشارها عقب ننشست.» مرکز کارنگی هم نوشت «ایران توانست شبکه نفوذ منطقه‌ای خود را تثبیت کند.» بلومبرگ گزارش داد «تحریم‌ها معادله را تغییر داد، نه ایران را.» این اعتراف‌ها در واقع گزارش رسمی ناکامی پروژه‌ای است که قرار بود ایران را به امتیازدهی وادار کند. سخنان روز پنجشنبه رهبر انقلاب در جمع مداحان نیز در همین چارچوب قابل فهم است؛ اینکه ایران در مرکز تحولات منطقه‌ای قرار گرفته نه یک ادعای شعاری، بلکه یک واقعیت سیاسی تأییدشده توسط رقبای سرسخت است. این همان نکته کلیدی است که رهبر انقلاب با اشاره به قدمت بیش از صد ساله تلاش‌های زورگویان جهانی برای تغییر هویت «دینی، تاریخی و فرهنگی» ملت ایران، فرمودند: انقلاب اسلامی همه آن کارها را بی‌نتیجه گذاشت و در دهه‌های اخیر نیز، ملت با تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی و پایداری در مقابلِ ادامه فشارهای گسترده دشمنانش، آنها را ناکام کرده است. اینکه مرکز کارنگی می‌نویسد: «ایران توانسته شبکه نفوذ منطقه‌ای خود را تثبیت کند.» به روایت دیگر، ترجمان «گسترش مفهوم و ادبیات مقاومت از ایران به کشورهای منطقه و برخی کشورهای دیگر است» که رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با مداحان به آن اشاره کردند.

رهبر انقلاب بارها فرموده‌اند «روزی فقط ایران بود، اما امروز یک جبهه گسترده است.» این جمله امروز معنایی بسیار روشن دارد. آنچه روزی مقاومت ایران در برابر یک قدرت مهاجم بود، به‌تدریج در سراسر منطقه به الگویی برای ملت‌های تحت فشار تبدیل شده است. غزه در دو سال اخیر نشان داد چگونه یک گروه مقاومت می‌تواند معماری امنیتی اسرائیل را زیر سؤال ببرد؛ یمن با وجود محاصره و جنگ تمام‌عیار توانست ابتکار عمل را در راهبردهای منطقه‌ای به‌دست بگیرد. لبنان اکنون با خویشتنداری و ملاحظات داخلی هر چند از ظرفیت خود برای مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی صبر پیشه کرده است ولی روشن است که ادامه رفتارهای جنون‌آمیز اسرائیل در جنوب لبنان، موجب پشیمانی این رژیم همانند جنگ ۱۲ روزه خواهد شد. صهیونیست‌ها هنوز تجربه جنگ ۳۳ روزه سید مقاومت را از ذهن خود دور نکرده‌اند. امروز حتی بسیاری از تحلیل‌های جهانی تأکید دارند که «بدون فهم نقش مقاومت، فهم تحولات منطقه ناممکن است.» این هندسه جدید قدرت، از دل همان ایستادگی ملت ایران زاده شده است؛ مقاومتی که روایت آن از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و الهام‌بخش ملت‌های دیگر شده است.

۳- یکی از ابعاد کمتر گفته‌شده مقاومت، توانایی ایران در حفظ و حتی تقویت ساختارهای ملی در شرایط فشار بی‌سابقه اقتصادی است. بانک جهانی در گزارش‌های متعددی اعلام کرده «ایران توانسته رشد پایدار خود را حفظ کند.» صندوق بین‌المللی پول تصریح کرده «ایران بخش مهمی از سازوکار تحریم را بی‌اثر کرده است.» صادرات غیرنفتی رکوردهای جدیدی را برای ایران ثبت کرده و در حوزه‌های راهبردی مانند صنعت فضائی، پهپادی و موشکی ایران به جمع بازیگران مهم جهان پیوسته است. این آمارها معنایی روشن دارند. مقاومت هرگز یک راهبرد صرفاً تدافعی نبوده است؛ بلکه بستری برای جهش‌های فناورانه و خودکفایی در حوزه‌های حساس فراهم کرده است. بنا بر تاکید رهبر انقلاب، امروز ایران برخلاف خواست دشمن، قوی‌تر و اثرگذارتر شده است. چنین قدرتی جز با مقاومت و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به دست نیامده است. رهبر انقلاب در سخنان روز پنجشنبه، «مقاومت ملی» را «تاب‌آوری و ایستادگی در مقابل انواع فشارهای سلطه‌گران» تعریف کردند و افزودند: «گاهی فشار، نظامی است؛ -مانند آنچه ملت در دفاع مقدس دید و در ماه‌های گذشته نوجوانان و جوانان هم مشاهده کردند- و گاهی هم فشار اقتصادی یا رسانه‌ای و فرهنگی و سیاسی است. هدف فشارهای مختلف نظام سلطه بر ملت‌ها و در رأس آنها ملت ایران، گاهی توسعه‌طلبی سرزمینی است؛ مانند آنچه امروز دولت آمریکا در آمریکای لاتین انجام می‌دهد. گاهی نیز تسلط بر منابع زیرزمینی هدف است و برخی مواقع هم تغییر سبکِ زندگی و مهم‌تر از همه، «تغییر هویتی»، هدف اصلی فشارهای سلطه‌گران است.» آنچه در سخنان رهبری از اهمیت دو چندان برخوردار است اینکه ملت ایران همان‌گونه که در مقابل فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی دشمن ایستادگی کرده است باید در مقابل فشار برای تغییر در «سبک زندگی» که با هدف «تغییر هویتی» ملت ایران دنبال می‌شود، مقاومت کند که مخاطبان این مقاومت هم ملت ایران است تا در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه که هویت آنها را نشانه گرفته است، ایستادگی کنند و مهم‌تر از آن، کارگزاران نظام هستند که وظیفه مقابله با مصنوعات و محصولات مسموم فرهنگ بیگانه را برعهده دارند.

۴- شاید یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان رهبر انقلاب در جمع مداحان، هشدار درباره جنگی است که اکنون آغاز شده و با گذشته متفاوت است. جنگی که در آن نه توپ و تانک، نه تحریم و عملیات روانی مقطعی، بلکه «تصویرسازی‌های مداوم، روایت‌های تحریف‌شده و عملیات رسانه‌ای هدفمند» محور اصلی حمله دشمن است. ایشان تأکید کردند که هدف دشمن «زدودن آثار مفاهیم انقلابی از ذهن جوان ایرانی» است. به بیان دیگر، امروز میدان نبرد اصلی ذهن و حافظه تاریخی نسل جدید است. دشمن تلاش می‌کند مقاومت را بی‌ثمر نشان دهد، انقلاب را بی‌ریشه جلوه دهد و احساس قدرت ملی را از مسیر تحریف روایت‌ها تضعیف کند. این همان جنگی است که رهبر حکیم انقلاب بارها آن را «جنگ ادراکات» نامیدند؛ جنگی که اگر با غفلت از کنار آن عبور کنیم، ممکن است دستاوردهای بزرگ مقاومت به تدریج در حافظه نسل‌ها کمرنگ شود. ایشان در همین سخنرانی بار دیگر بر خط دشمن در حمله به ذهن نسل جوان کشور هشدار دادند و فرمودند: «در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم؛ با چه کسی؟ با یک جبهه وسیع. ما در جنگ تبلیغاتی قرار داریم، در جنگ معنوی قرار داریم. دشمن فهمید که تصرّف این مُلک و این خاک و این سرزمین الهی و معنوی با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد. فهمید که اگر بخواهد تصرّفی بکند، دخالتی بکند، موفقیّتی پیدا کند باید دلها را تغییر بدهد، باید مغزها و فکرها را عوض کند؛ رفتند در این خط. البتّه ما در مقابلشان محکم ایستاده‌ایم، امّا امروز خطر این است، خط این است، هدف دشمن این است. هدف دشمن در کشور ما محو کردن آثار مشعشع مفاهیم انقلابی است». در چنین شرایطی، علاوه‌بر کارگزاران نظام که وظیفه سنگینی برای خنثی کردن این خط دشمن دارند، وظیفه رسانه‌ها، نویسندگان، هنرمندان و فعالان فرهنگی معنایی تازه پیدا می‌کند. رهبر انقلاب تصریح کردند که «آرایش تبلیغاتی باید متناسب با هدف دشمن باشد.» این یک جمله کلیدی است برای فهم وظیفه تاریخی امروز ما. اگر دشمن با روایت حمله می‌کند، پاسخ ما نیز باید با روایت باشد. یعنی لازم است حقیقت مقاومت را برای نسل جدید با زبان امروز، با ادبیات جذاب، با تصویرسازی هنرمندانه و با استناد به واقعیت‌های ملموس بیان کنیم. تجربه‌های تاریخی را در قالب آثار خلاق بازآفرینی کنیم و امید ملی را بر ستون‌های محکمی چون پیشرفت علمی، تجربه زیست سالم ملت و موفقیت‌های منطقه‌ای تکیه دهیم. مقاومت امروز تنها «پایداری» نیست و مهم‌تر از پایداری «خلق معنا» است. معنایی که اگر درست روایت شود، می‌تواند نسل جدید را نه با شعار، بلکه با درک و باور واقعی به آینده امیدوار کند. بنابراین؛ سخنان رهبر انقلاب در حقیقت یادآوری یک مسیر تاریخی است؛ مسیری که از بهمن ۵۷ آغاز شد و امروز به نقطه‌ای رسیده که صدای ملت ایران در معادلات منطقه و جهان شنیده می‌شود. پیام این سخنان روشن است؛ مقاومت توانست ایران را از سقوط‌هایی قطعی نجات دهد، ساختارهای ملی را از فروپاشی حفاظت کند، جبهه‌ای بزرگ و اثرگذار در منطقه پدید آورد و به ملت ایران جایگاهی بدهد که بسیاری آن را دست‌نیافتنی می‌دانستند. اما این دستاوردها زمانی پایدار خواهد ماند که در حافظه نسل‌های آینده زنده بماند و زنده نگهداشتن این وظیفه امروز بس خطیر است.

حسن رشوند

عراقچی در واکنش به وزیر خارجه لبنان:

وزرای خارجه کشورهایی که روابط برادرانه دارند برای دیدار نیازی به محل «بی‌طرف» ندارند

وزیر امور خارجه ایران در واکنش به رد دعوت سفر به تهران از سوی وزیر خارجه لبنان گفت: روشن است وزرای خارجه کشورهایی که روابط برادرانه و روابط کامل دیپلماتیک دارند، برای دیدار نیازی به یک محل «بی‌طرف» ندارند.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه شامگاه پنجشنبه ۲۰ آذرماه خطاب به یوسف رجی همتای لبنانی گفت: ما نیز خواهان «فصلی جدید» در روابط دوجانبه هستیم. وی که چندی پیش از همتای لبنانی خود برای سفر به تهران دعوت به‌عمل آورد، در این باره عنوان کرد: از دعوت محبت‌آمیز آقای یوسف رجی سپاسگزارم. در عین حال تصمیم او برای عدم استقبال از دعوت متقابل ایران در پاسخ به مهمان‌نوازی گرم ایشان در سفر گذشته اینجانب به لبنان، مایه شگفتی است.

عراقچی چندی پیش در پی آمادگی همتای لبنانی یوسف رجی برای مذاکره با وی در کشوری ثالث از وزیر امور خارجه لبنان برای سفر به تهران دعوت کرد و ۱۳ آذرماه نیز برای همتای لبنانی پیام کتبی فرستاد. در این پیام ضمن دعوت از رجی برای سفر به تهران، بر استمرار حمایت ایران از حاکمیت، وحدت ملی، تمامیت سرزمینی، امنیت و ثبات این کشور به‌ویژه در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی تأکید شده بود.

به گزارش فارس، یوسف رجی اخیرا در گفت‌وگویی ضمن ایراد اتهاماتی به ایران در ارتباط با حزب‌الله، دعوت عراقچی برای سفر به تهران را نپذیرفت. اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه یکشنبه ۱۶ آذرماه در واکنش به این اظهارات گفت: بحث مداخله ایران در امور لبنان یک بحث انحرافی است هیچ مداخله‌ای در امور داخلی لبنان نداریم، حزب‌الله یک نهاد و بخش ریشه‌دار و مؤثر در جامعه لبنان است و در مورد رفتارهای خودش و سیاست‌های خودش، خودش تصمیم می‌گیرد.

درک می‌کنم چرا رجی آماده سفر به تهران نیست

عراقچی در سفری که چندی پیش به مصر و پس از آن به بیروت داشت با رجی دیدار کرده بود.

وزیر امور خارجه بیان کرد: روشن است وزرای خارجه کشورهایی که روابط برادرانه و روابط کامل دیپلماتیک دارند، برای دیدار نیازی به یک محل «بی‌طرف» ندارند. رئیس دستگاه دیپلماسی خاطرنشان کرد: با توجه به اشغالگری اسرائیل در لبنان و نقض آشکار «آتش‌بس»، کاملاً درک می‌کنم که چرا همتای لبنانی ارجمندم آماده سفر به تهران نیست.

وی در شبکه ایکس در این باره نوشت: از این رو با کمال میل دعوت او برای سفر به بیروت را می‌پذیرم. ما نیز خواهان «فصلی جدید» در روابط دوجانبه هستیم. روابط بر پایه همان اصول دقیقی که آقای رجی وزیر خارجه بر آن تأکید کرده است.

عراقچی ۳۰ آبان‌ماه هم در پی ابراز آمادگی رجی برای مذاکره با عراقچی در کشوری ثالث در شبکه ایکس نوشت: ما در امور داخلی لبنان دخالت نمی‌کنیم، اما از هر گونه گفت‌وگو با هدف پیشبرد روابط دوجانبه ایران و لبنان استقبال می‌کنیم. احتیاجی به کشور ثالث نیست. از همکارم یوسف برای سفر به تهران دعوت می‌کنم و اگر از من برای سفر به بیروت دعوت شود، با کمال میل می‌پذیرم.

ایران و آذربایجان مصمم به ساخت آینده‌ای مشترک و امن هستند

عراقچی همچنین در گزارشی به برنامه‌ها، اهداف و چشم‌انداز روابط در سفرش به جمهوری آذربایجان پرداخت. وی که در نخستین سفر رسمی دوجانبه‌اش به باکو رفت، در این باره عنوان کرد: در جریان سفر اخیر (۱۶ و ۱۷ آذر) به باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان، دیدارهای مفصل و سازنده‌ای با جناب آقای الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور، جناب آقای جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه، جناب آقای شاهین مصطفی‌یف، معاون نخست‌وزیر و همچنین سرکار خانم صاحبه غفاراوا، رئیس مجلس ملی جمهوری آذربایجان داشتم. عراقچی افزود: روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، فراتر از همسایگی جغرافیایی، تجلی‌بخش پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی و تمدنی است که ریشه در خویشاوندی دیرینه مردمان دو سوی ارس دارد.

رئیس دستگاه دیپلماسی یادآور شد: این روابط امروزه در همه حوزه‌ها اعم از اقتصادی و ترانزیتی، سیاسی، فرهنگی و انسانی در حال گسترش است و دو کشور مصمم هستند با تکیه بر این پشتوانه مشترک، همکاری‌های خود را به سطحی راهبردی ارتقا دهند.

وی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی درباره این سفر و رایزنی‌های انجام شده نوشت: در همه نشست‌ها بر ضرورت حفظ ثبات و امنیت در منطقه قفقاز جنوبی به عنوان پیش‌شرط پیشرفت و رفاه همه کشورها تأکید و تصریح شد که هیچ طرف ثالثی نباید بتواند بر روابط سازنده بین دو کشور تأثیر منفی داشته باشد.

عراقچی تصریح کرد: ایران و جمهوری آذربایجان مصمم به ساخت آینده‌ای مشترک، امن و شرافتمندانه و استوار بر پایه احترام متقابل هستند.

وزیر خارجه پاکستان: دیداری سازنده با عراقچی در عشق‌آباد داشتم

عراقچی که همراه با مسعود پزشکیان برای شرکت در اجلاس بین‌المللی «صلح و اعتماد» به عشق آباد پایتخت ترکمنستان سفر کرده بود روز جمعه ۲۱ آذرماه در حاشیه این اجلاس با محمد اسحاق‌دار وزیر امور خارجه پاکستان دیدار و گفت‌وگو کرد.

محمد اسحاق‌دار، وزیر خارجه پاکستان در پیامی درباره این دیدار عنوان کرد: امروز در حاشیه «کنفرانس بین‌المللی صلح و اعتماد» در عشق‌آباد، دیداری سازنده با برادرم، سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران داشتم. در این دیدار درباره همکاری‌های دوجانبه گفت‌وگو و در خصوص تحولات منطقه‌ای تبادل‌نظر کردیم. همچنین توافق کردیم که همکاری‌ها را در حوزه‌های تجارت و پیوندهای مردمی بیش از پیش تعمیق بخشیم و بر پایبندی خود برای همکاری در جهت صلح، ثبات و شکوفایی منطقه تأکید کردیم.

بر اساس اعلام وزارت خارجه پاکستان ۱۷ آذرماه محمد اسحاق‌دار معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه این کشور با عراقچی درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه تلفنی گفت‌وگو کردند. دو طرف ابراز امیدواری کرده بودند که در «حاشیه اجلاس بین‌المللی «صلح و اعتماد» در عشق‌آباد دیدار و گفت‌وگو کنند. عراقچی همچنین در ادامه دیدارهای خود در حاشیه این نشست با سید بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان دیدار و گفت‌وگو کرد.

بر اساس اعلام اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه قرار است در هفته پیش رو نشست منطقه‌ای در تهران برای گفت‌وگو و تبادل‌نظر درباره تحولات مرتبط با افغانستان برگزار شود.

وی گفت: جمهوری اسلامی ایران اهمیت اساسی برای امنیت و ثبات در محیط همسایگی کشور قائل است و در همین راستا از هیچ کوششی برای کاهش تنش بین کشورهای منطقه و تقویت تفاهم بین آنها فروگذار نمی‌کند.

این نشست منطقه‌ای در هفته پیش رو با حضور نمایندگان ویژه امور افغانستان از کشورهای پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، چین و روسیه به میزبانی وزارت امور خارجه ایران برگزار خواهد شد.

اذعان رژیم صهیونیستی به اغراق درباره میزان آسیب به برنامه موشکی ایران

رژیم صهیونیستی که پیش از این ادعا می‌کرد توانسته در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه قدرت ایران را تضعیف کند اکنون اعتراف می‌کند که درباره میزان آسیبی که به برنامه موشک‌های بالستیک ایران وارد شده، اغراق کرده است.

روزنامه تایمز اسرائیل روز جمعه در گزارشی اذعان کرد تل‌آویو اکنون به این نتیجه رسیده که درباره آسیب‌های واردشده به برنامه موشکی ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه اغراق کرده است.

این رسانه صهیونیستی با ادعای این که جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر حدود ۲۰۰۰ موشک بالستیک سنگین دارد، نوشت این تعداد تقریباً همان تعدادی است که ایران قبل از آغاز جنگ در خردادماه در اختیار داشت.

مطابق این گزارش، «شلومی بایندر» رئیس اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل این اطلاعات را اوایل هفته جاری با مایک والتز، سفیر آمریکا در سازمان ملل، در میان گذاشت.

به گزارش تسنیم، چند روز پیش از این هم نماینده ارشد ارتش اسرائیل در جریان جلسه غیرعلنی کمیته امور خارجی و دفاعی پارلمان اسرائیل «کنست» به قانون‌گذاران رژیم هشدار داده بود که ایران با گذشت شش ماه از جنگ ۱۲ روزه، تولید گسترده موشک‌های بالستیک خود را از سر گرفته است.

این در حالی است که در جریان جنگ ۱۲ روزه و بعد از آن مقام‌های رژیم صهیونیستی تلاش کرده بودند به تقویت این روایت بپردازند که جنگ تحمیلی ۱۲روزه باعث تضعیف قدرت جمهوری اسلامی ایران شده است.

خبر ویژه

کابوس موشک‌های بالستیک سنگین ایران اسرائیل را رها نمی‌کند

مؤسسه مطالعات امنیت بین‌الملل اسرائیل نوشت ایران پس از جنگ، تولید انبوه موشک را شدت داده و نشانه‌هایی از آمادگی تهاجمی در اظهارات برخی فرماندهان دیده می‌شود.

مؤسسه مطالعات امنیت بین‌الملل اسرائیل، در گزارشی با اشاره به فعالیت سایت‌های اتمی ایران و تلاش برای میانجیگری با هدف حل بحران، نوشت چند کشور، تلاش کرده‌اند نقاط انعطاف طرفین را شناسایی کنند اما پیشرفتی رخ نداده است. تهران همچنان اجازه بازرسی از سایت‌هایی را که در جریان جنگ هدف قرار گرفتند، نمی‌دهد.

چندی قبل، شورای حکام آژانس با حمایت آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان قطعنامه‌ای تصویب کردند که از ایران می‌خواهد دسترسی فوری و کامل برای بازرسان فراهم کند و گزارش دقیقی از وضعیت سه سایت تخریب‌شده ارائه دهد. تهران در واکنش، توافق قاهره با آژانس را لغو کرد؛ توافقی که قرار بود مسیر بازگشت تدریجی بازرسان را باز کند.

مذاکرات هسته‌ای با تهران از ژوئن ۲۰۲۵ و پس از حمله اسرائیل متوقف شد. آمریکا بازگشت به گفت‌وگو را منوط به سه شرط می‌داند: توقف غنی‌سازی، پایان حمایت نظامی ایران از گروه‌های نیابتی در منطقه و پذیرش محدودیت‌های موشکی.

تهران تاکید دارد که غنی‌سازی «حقی قانونی» است و حاضر به مذاکره درباره آن نیست. رهبر جمهوری اسلامی، نیز گفته است دولت دونالد ترامپ «شایسته» گفت‌وگو نیست و خبر ارسال پیام از ایران به واشینگتن را «دروغ محض» خوانده است.

مقام‌های ارشد نظامی جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر تهدید کرده‌اند در صورت هرگونه حمله دوباره اسرائیل، «حمله موشکی گسترده» انجام خواهند داد. ایران پس از جنگ، تولید انبوه موشک را شدت داده و نشانه‌هایی از آمادگی تهاجمی در اظهارات برخی فرماندهان دیده می‌شود.

در همین حال، روزنامه تایمز اسرائیل در گزارشی خاطر نشان کرد: ایران در حال حاضر حدود ۲ هزار موشک بالستیک سنگین در اختیار دارد؛ تقریباً همان تعدادی که در آستانه جنگ در زرادخانه‌اش داشت.

در حالی که نتانیاهو در بحبوحه جنگ ادعا کرده بود توان موشکی ایران را نابود کرده است، تایمز اسرائیل نوشت: اکنون ارزیابی این است که میزان آسیبی که در جریان جنگ به برنامه موشک‌های بالستیک ایران وارد شده، کمتر از برآوردهای اولیه بوده است. ایران در حال حاضر حدود ۲ هزار موشک بالستیک سنگین در اختیار دارد؛ تقریباً همان تعدادی که در آستانه جنگ داشت. این اطلاعات را سرتیپ شلومی بیندر، رئیس اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل، اوایل همین هفته در دیدار با «مایک والتز» سفیر آمریکا در سازمان ملل مطرح کرده است؛ خبری که وب‌سایت المانیتور گزارش داده است.

از سوی دیگر، ایلی کوهن، وزیر انرژی رژیم اسرائیل، به روزنامه یدیعوت آحارونوت گفت: پالایشگاه نفت حیفا در شمال، در جریان جنگ ۱۲روزه با ایران به‌طور مستقیم هدف موشک‌های ایرانی قرار گرفت. به‌عنوان درسی از جنگ اخیر، فشار می‌آورم به‌جای تعطیلی کامل پالایشگاه حیفا، آن را به منطقه میشور روتم در صحرای نقب منتقل کنیم.

همچنین کوبی مایکل، رئیس میز فلسطین در وزارت امور استراتژیک اسرائیل گفته است: موشک‌های بالستیک ایران می‌توانند تخریب بسیار زیادی را در اسرائیل ایجاد کنند. برنامه موشکی ایران، از صنعت هسته‌ای آن‌ها مهم‌تر شده است.

همزمان با این تحلیل‌ها و گزارش‌ها، روزنامه یدیعوت آحارونوت نوشت: پس از پایان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، فصل‌های تازه‌ای از جاسوسی، مزدوری و نفوذ سایبری آشکار شده است؛ پدیده‌ای که اسرائیلی‌ها می‌گویند در ماه‌های اخیر از سوی تهران گسترش یافته و بر مهندسی اجتماعی، فناوری و اطلاعات دقیق متکی است. تهران از حملات گسترده فاصله گرفته و به جنگ شخصی هدفمند علیه مقامات ارشد اسرائیلی، اطرافیان و حتی حلقه‌های خانوادگی آنان روی آورده است. مهاجمان با هویت‌های جعلی وارد ارتباط با مدیران اسرائیل یا اطرافیانشان می‌شوند و پس از جلب اعتماد، کنترل طولانی‌مدت و بی‌صدا بر دستگاه‌های هوشمند آنان ایجاد می‌کنند. همچنین ایران با پرداخت پول و اغلب از طریق ارزهای دیجیتال، برخی اسرائیلی‌ها را برای تصویربرداری از بنادر، پایگاه‌های نظامی و مراکز دولتی به کار می‌گیرد. این پرونده‌ها، نشان‌دهنده ضعف بازدارندگی داخلی است.

فارن‌افرز: اروپا وقتی شکست خورد که مقابل ترامپ مقاومت نکرد

نشریه فارن‌افرز تاکید کرد اروپا در مقابل ترامپ هنگامی شکست خورد که مقاومت را کنار گذاشت و از موضع تسلیم رفتار کرد.

این نشریه به قلم متیاس ماتیجس (استاد اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دانشگاه جان هاپکینز/ پژوهشگر ارشد در شورای روابط خارجی آمریکا) و ناتالی توچی (استاد دانشگاه جان هاپکینز و مدیر مؤسسه بین‌المللی در رم)، می‌نویسد: اروپا چگونه شکست خورد؟ وقتی دونالد ترامپ دوباره به قدرت بازگشت، خواسته‌های سختگیرانه برای افزایش هزینه‌های دفاعی اروپا را مطرح کرد، صادرات اروپا را با تعرفه‌های گسترده تهدید کرد و ارزش‌های دیرینه اروپایی در دموکراسی و حاکمیت قانون را به چالش کشید، رهبران اروپایی می‌توانستند یا موضع مقابله‌ای اتخاذ کنند و به طور جمعی مقاومت کنند، یا راه کمترین مقاومت را انتخاب کرده و تسلیم ترامپ شوند. آنها گزینه دوم را انتخاب کردند. به‌جای اصرار بر مذاکره به عنوان شریک برابر یا ادعای خودمختاری استراتژیک خود، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن، همچنین کشورهای غیرعضو مانند انگلیس، به طور واکنشی و پیوسته موضعی از تسلیم اتخاذ کرده‌اند.

برای بسیاری در اروپا، این یک انتخاب منطقی بود. طرفداران مماشات، استدلال می‌کنند که گزینه‌های جایگزین (مقاومت در برابر خواسته‌های ترامپ در زمینه دفاع، توسل به تشدید تلافی‌جویانه به سبک چین در مذاکرات تجاری، یا افشای گرایش‌های استبدادی او) برای منافع اروپا مضر بود. آمریکا ممکن بود اوکراین را رها کند. ترامپ می‌توانست پایان حمایت از ناتو و خروج قابل‌توجه نیروهای نظامی آمریکا از اروپا را اعلام کند. ممکن بود یک جنگ تجاری تمام‌عیار فراآتلانتیک رخ دهد.

البته این موضوع می‌تواند درست باشد. اما این دیدگاه، نقشی را که سیاست داخلی اروپا در تلاش برای سازش در وهله اول ایفا کرد، و همچنین پیامدهای سیاسی داخلی مماشات را نادیده می‌گیرد. ظهور راست افراطی پوپولیست فقط یک پدیده سیاسی آمریکایی نیست. در تعداد فزاینده‌ای از کشورهای اتحادیه اروپا، راست افراطی یا در دولت است یا بزرگ‌ترین حزب مخالف، و کسانی که طرفدار راضی‌کردن ترامپ هستند، به راحتی اعتراف نمی‌کنند که چقدر توسط این نیروهای ملی‌گرا و پوپولیست محدود شده‌اند. علاوه بر این، آن‌ها اغلب نادیده می‌گیرند که این استراتژی به نوبه خود به تقویت بیشتر راست افراطی کمک می‌کند. با تسلیم‌شدن در برابر ترامپ در زمینه دفاع، تجارت و ارزش‌های دموکراتیک، اروپا عملاً نیروهای راست افراطی را که خواهان اتحادیه اروپا ضعیف‌تر هستند، تقویت کرده است. به عبارت دیگر، استراتژی ترامپی اروپا، یک دام خودویرانگر است. تنها یک راه خروج از این چرخه وجود دارد. اروپا باید اقداماتی برای بازگرداندن اختیار در جایی که هنوز می‌تواند انجام دهد، بردارد. به‌جای اینکه تا ژانویه ۲۰۲۹ صبر کنیم، زمانی که تفکر جادویی فرض می‌کند کابوس فعلی فراآتلانتیک به پایان خواهد رسید، اتحادیه اروپا باید دست از التماس بردارد و حاکمیت بیشتری بسازد. تنها در این صورت است که نیروهای سیاسی که آن را از درون تهی می‌کنند، بی‌اثر خواهد شد.

کارشناس حامی پزشکیان: هیچ توجیهی برای افزایش قیمت ارز وجود ندارد

یک کارشناس اقتصادی حامی آقای پزشکیان در انتخابات، از عملکرد اقتصادی دولت انتقاد کرد و گفت در مقابل گرانی‌ها تیم کارشناسی دولت کجاست؟

حسین راغفر، در نشستی با موضوع «ریشه افسارگسیختگی قیمت‌ها»، یکی از اصلی‌ترین عوامل تورم را افزایش قیمت ارز عنوان کرد و گفت: دولت‌ها با این سیاست، نه تنها کسری بودجه را جبران نمی‌کنند، بلکه شکاف میان هزینه‌ها و درآمدهای خود را بزرگ‌تر می‌کنند و اقتصاد کشور را با شوک‌های ارزی و فشارهای ساختاری مواجه می‌کنند. دولت‌ها با هدف تامین کسری بودجه این اقدام را انجام می‌دهند، در واقع با افزایش قیمت ارز سعی می‌کنند منابع کمبودها را تأمین کنند، اما هر سال به همین دلیل که دولت خود بزرگ‌ترین متقاضی در کشور است، افزایش قیمت‌ها موجب افزایش هزینه‌های خود دولت می‌شود و درآمدهای دولت با آن سرعت افزایش پیدا نمی‌کند.

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا افزود: در ماه‌های اخیر هم هیچ توجیهی برای افزایش قیمت ارز وجود ندارد، اما اقتصاد سیاسی حکم می‌کند که منافع گروه‌هایی با افزایش قیمت‌ها گره خورده است، از این وضعیت بهره‌مند شوند.

وی یادآورشد: موثرترین عامل برای تخریب پایه‌های سیاسی کشور، سیاست‌های اقتصادی است. خصوصا افزایش قیمت ارز. این چیزی است که «کینز» مطرح می‌کند. می‌گوید اگر شما بخواهید پایه‌های یک جامعه را فرو بپاشانید، بهترین روشش